

دوم هویت و نقش آن در زندگی

جلسه دوم :

نویسنده : دکتر بصیر کامجو

این یک حقیقت روشن است، که هویت یک ارزش است ، ، چپستی این ارزش درشی ، کیفیت و در انسان کرامت و معرفت است . معرفت همان شناخت و آگاهی ما از جهان هستی است که گوهر هویت فرهنگی و اصالت کسبی ما را می سازد .

هویت : ارزش نماد ممتاز شدن از غیر خود ، تعیین یافتن شایسته سالاری و معین گردیدن جایگاه و مقام ؛ شناسنامه ، عزت و منزلت ، غرور و افتخار یک انسان و پاملت است .

هویت نوعی خودشناسی فرد و یا یک ملت است که در مقایسه با دیگران به تصویر می آید . و به انسان شخصیت مستقل می بخشد ، پیوستگی و وابستگی با گذشته ، جهت گیری نسبت به آینده را در روح و روان فرد ایجاد می کند ، و وی را پایبند به حفظ مفاخر و عناصر ممیزه ملی می سازد .

هویت ملی : حاصل سعی و کوشش ، جد و جهد هزاران سال نسل های گذشته و حال می باشد .

هویت ملی هستی و وجود ، اساس وریشه یک ملت ، دربرگیرنده همه ارزشهای : تاریخی ، علمی ، فرهنگی ، زبانی ، حقوقی ، اخلاقی ، روانی ، دینی ، جغرافیایی سیاسی ... یک ملت است . و شناساندن آن ارزشهای سازنده از جانب خردمندان برای مردم ما ، یک رسالت انسانی می باشد .

هویت ملی ، مهم ترین رکن اساسی شخصیت فرد است ، که ماهیت ذاتی و کسبی وی را مشخص می کند و نمای ویژه متمایز او از دیگر افراد میگردد .

تعلق اندیشه و احساس انسانها به هویت ملی خیلی با اهمیت است و این تعلقی در افزایش میزان خوشحالی و انسجام اجتماعی جامعه و فرد مفید واقع می شود .

در کشور ما اقوام و ملیت های مختلف با هویت های جداگانه و عمومی ، اعم از : تاجیکها ، پشتونها ، هزاره ها ، ازبکها و ترکمانها ... و غیره در یک جغرافیایی سیاسی مشترک ، پهلوی هم زندگی دارند .

بر اساس اسلوب جامعه‌شناسی میتوان اقرار کرد که ، میان این همه گروه های اتنیکی تفاوت های عمیق تعلقیات خاطر نسبت به هویت ملی ، ارزشهای تاریخی ، فرهنگی و زبانی ، وجود دارد . بسبب وجود همین تفاوت ها به مشترکات هویت ملی میان اقوام و ملیت های جامعه ما بوده و هست که این نقیصه ، توانسته روند آمیختگی مؤلفه های تشکیل "ملت همبسته " را در کشور رسد واقع شود .

از این جهت است که تاکنون در کشور ما ساختار مادی و معنوی بنام - ملت ، وحدت ملی ، حاکمیت ملی ، منافع ملی عرض وجود نکرده است .

بکاربری این مفاهیم از طرف حاکمان ، در اسناد دولتی و رسانه ها یک شعار انتزاعی ، یک برخورد مجرد سیاسی مقطعی یی ، بیش نیست .

زیرا شهروندان "ملت واحد " هیچ گاه مقابل یکدیگر سلاح بر نمی دارند . وبا احساس پیوستگی به مشترکات هویت ملی ، جهت حفظ مفاخر و تعلقیات خویش به ممیزه ملی ، همبسته عمل می نمایند .

اما با تأسف که در کشور ما چنین چیزی وجود ندارد . هر روز به نسبت خصومت های متضاد قومی و زبانی و اتنیکی و تفاوت های عمیق فرهنگی و تاریخی ؛ افراد جامعه قربانی می دهند و وحشیانه کشته می شوند .

ملیت بیل در دست نهال می شانند و گندم می کارد و تولید می کند ؛

و دیگر قوم تفنگ در دست آدم می گُشند ، خشخاش کِشت می کند و مصرف می نماید ؛

یک ملیت مکتب و خانه و کاشانه اعمار می نماید ؛

دیگری آنرا می سوزاند و به خاک یکسان می کند ؛

یک ملیت به کرامت و نجابت انسان و مادر حرمت و ارزش قایل است ؛

دیگر قوم ، آزادگان را گردن می زند و مادر وطن را سنگسار می کند و ایستاده زنده به گور می نماید ؛
و غیره .

این و هزاران تفاوت های عمیق فرهنگی ، اخلاقی ، تاریخی و زبانی وجود دارد که ملیت ها و اقوام این سرزمین را از همدیگر متمایز می سازد .

زیرا تاریخ عالی مرتبه ، زبان و فرهنگ غنای این سرزمین ریشه در گذشته های خیلی دور دارد .
با این جامه خون چکان هویت های تحمیلی ، قامت بلند بالای این سرزمین خورشید ، علم و معرفت را
نمی توان پوشانید .زیرا

ما به این مسئله اعتقاد کامل داریم ، که هیچ ملیت و قومی هویت یک دیگر خود را منحیث هویت
ملی نمی پذیرند و نخواهند پذیرفت .

زمانی هویت ملی مورد قبول ملیت ها و اقوام ساکن این سرزمین واقع می شود که آن هویت انعکاس
دهنده نماد هویت جمعی و مشترکات ملی باشد . و در آن هویت ، هر قوم و ملیت خود را شریک بداند
و تعلیق خاطر و عشق و احساس به آن داشته باشد .

هویت فرهنگی و معرفت علمی ای که در حوزه تمدنی قاره کهن بزبان فارسی ، ابداع شده آفریده
و تکامل یافته ، گوهر ذاتی اصالت کسبی ما را می سازد و به مفهوم شناسنامه ، افتخار ، عزت ، غرور
مردم ما عرض وجود می کند . مقام و مراتب شایسته سالاری ما را در پهلوی دیگر ملل جهان شایسته
معرفی می نماید .

این رسالت همه شهروندان کشور ما و فارسی زبانان سراسر جهان است که اهمیت زبان فارسی
و گسترش معارف و فرهنگ اصیل باستانی این مرزبوم را گرامی داشته و آگاهانه در راه احیاء و
حفظ مفاخر گذشته ، رشد و شکوفایی این هویت همگانی تلاش نمایند .

زیرا ما بدون از این هویت ، به جز اجیران و سربازان خشونت پیشه ای در خدمت سرمایه جهانی
و دهقانان مشغول به کشت خشخاش و تفنگ بدستان مواد مخدر ، بیش از این دیگر حیثیت و اعتباری
داشته نمی توانیم .

ما که بارها از اهمیت و ارزش هویت ملی سخن گفته ایم اعتبار سخن ما در این ماهیت نهفته است که
تحقق راهبردی تأمین صلح و ثبات و حفظ عزت و احترام ما فقط بر بنیاد چپستی ارزش معرفت
فرهنگی این قاره تمدنی کهن امکان پذیر است .

بگونه مثال اگر هویت فرهنگی و تاریخی اروپایی ها که از یونان قدیم می آغازد و نزدیک به سه هزار
سال عمر دارد مورد بازشناسی قرار دهیم این معرفت از:

پژوهش و آموزه های دانشمندان و خردمندان گرانمایه همچو :

تالس ملتی ، انکسیمندر ، انکسیمین ، هراکلیت ، کسینافون ، پرمانید ، زینون ، فیثاغورث ، دیموکریت
، سقراط ، افلاتون ، ارسطو ، اپیکور ، جان اسکوتس ، انسلیم ، پترابلار ، فرانسس بیکن ، توماس
هابز ، رنه دکارت ، اسپینوزا ، جان لاک ، دیوید هیوم ، برکلی ، ژان ژاک روسو ، ژان - پل

سارتر ، ولتر ، دیدرو ، فریدریک نیتشه ، یوزف شلینگ ، ایمانویل کانت ، فریدریش هیگل ، فویرباخ ، لئوناردو داوینچی ، نیوتن ، اینشتاین ، برتراند راسل ، کارل پوپر ، هایدگر ... و دیگران بوجود آمده که بمراتب عالی دانش بشری ارتقاء نموده است .

به بینیم که نقش این معرفت و هویت فرهنگی چقدر در تعیین مقام ، اعتبار و اعتماد یک شهروند اروپایی و آمریکایی تا کدام مرتبه تعیین کننده است .

اگر حقوق شهروندی آمریکائی جناب بارک اوباما رئیس جمهوری منتخب آمریکا را در نظر بگیریم . و بگونه نمونه این حق را از وی بگیریم در آن صورت او جز یک کنیایی افریقائی که تمام عمر با فقر دست و گریبان خواهد بود چیز دیگری به وی باقی نمی ماند .

اما زمانیکه در شهرت مکمله و شخصیت حقوقی و حق شهروندی جناب بارک اوما هویت آمریکائی که تبلوری از فرهنگ عالی معرفت اروپاییان و آمرکاییان باشد ، دیدیم که 72 درصد سفید پوستان و نزدیک به صد در صد سیاهپوستان آمریکائی در انتخابات نخست ریاست جمهوری وی ، به اعتبار این هویت آمریکائی بودنش رای اعتماد و مشروعیت دادند و او بر پایه همین آرای مردم آمریکا به اریکه قدرت تکیه زد .

هدف از تذکر نمونه عینی فوق راجع به نقش سازنده هویت فرهنگی در شخصیت رئیس جمهوری آمریکا اینست که ما نیز بارها در مورد به عرض رسانیده ایم که بایست راجع به هویت فرهنگی سرزمین نیاکان ما که از دوره پیشدادیان بلخ باستان اجداد تاجیکان و پارسها که حدود سه هزار سال قبل از میلاد شروع شده و در سه هزاره اخیر در اندیشه ها و رویکرد های فکری پیامبران و اندیشمندان و خردمندان اجداد ما همچو:

زرتشت ، مانی ، مزدک ، باربد ، امام اعظم حضرت ابوحنیفه ، امام بخاری ، رودکی بزرگ ، فردوسی بزرگ ، ابن سینا بلخی ، ابوزید بلخی ، ابراهیم ادهم بلخی ، شکور بلخی ، شعیب بلخی ، مسعود مروزی ، شهید بلخی ، ابوالمؤید بلخی ، ابو حفص سعیدی ، ذکریایی رازی ، ابونصر فارابی ، ابوریحان بیرونی ، بایزید بسطامی ، ابوسعید ابوالخیر ، سنایی غزنوی ، حسن غزنوی ، نظامی گنجوی ، خاقانی شروانی ، دقیقی ، معروفی بلخی ، بدیع بلخی ، شهاب الدین سهروردی ، فرخی سیستانی ، مسعودی غزنوی ، عنصری بلخی ، منوچهری ، روزبه نکتی لاهوری ، ابونصر مشکان ، عبدالله انصاری ، ابوالفضل بیهقی ، امام فخر رازی ، محمدغزالی ، اسد توسی ، عمر خیام ، نظامی عروضی ، ظهیر فاریابی ، مولانا جلال الدین بلخی بزرگ ، سعدی ، حافظ ، عبدالرحمان جامی ، امیر علی شیر نوایی ، ملا صدرا ، اقبال لاهوری ، عبدالقادر بیدل دهلوی و دیگران می باشند .

بایست به اهمیت و ارزش رویکرد های علمی ، عرفانی ، اخلاقی ، ادبی و فرهنگی هویت تاریخی نیاکان خویش اندیشه نمائیم و با اتکاء به این معرفت باستانی ، در همکاری و پیوند مشترک متقابل با معرفت جامعه بشری در کشور خویش آینده درخشان و فارغ از درد ورنج را ایجاد کنیم .

ما باید در روشنایی این هویت و معنویت انسانی نیاکان زندگی کنیم و جلوی گسترش فرهنگ های وارداتی از جنس جنایت و خون و خشونت را بگیریم .

علت اساسی این مشکل سیاسی که ما با گذشت صد ها سال هنوز هم در مرحله قبیله سالاری و زمینداری ارباب رعیتی گیر مانده ایم و بسوی تعالی پیشرفت و حیات انسانی به گندی حرکت میکنیم و به تأمین استقلال سیاسی و ایجاد حاکمیت ملی توفیق نیافته ایم ، در چه نهفته است؟ .

این واقعیت تلخ کاملاً آشکار است که این دشواری در سیاست مستبدانه محافل حاکمه وابسته به بغیر ، به نبود خود ارادیت و عدم شناخت و توجه عینی به ارزش فرهنگ باستانی و نداشت همبستگی و همآیسی ملی در این سرزمین نهفته است و هیچگونه توجیه دیگری ندارد .

پیام ما به مردم شرافت مند سرزمین ما این است . که منتظر طرح راهبردی جدید و کهنه این رئیس جمهور و آن شخص دیپلمات های غربی و شرقی نباشیم . زیرا هدف اساسی همه تأمین منافع ملی خود ایشان است نه از ما .

ادامه چنین سیاست های دنباله روانه و غیر مسئولانه محافل حاکمه عاری از هویت فرهنگی و وابسته به غیر و به قدرتهای بیگانه ، در جریان سده های اخیر نتیجه اش اینست که هنوز ما اختیار سرنوشت کشور خویش را نداریم . زیرا نهاد های سرمایه در چنین شرایط تحمیل شده دود و باروت ، برنامه خود را تحقق می بخشند و استفاده خود را می برند .

طرحهای راهبردی سیاسی ای که کشور ما را بسوی خود گردانی ملی ، صلح ، ثبات ، ایجاد حاکمیت مردم سالار ، آزادی و همبستگی ملی می کشاند و فرهنگ باستانی ما را همیشه از دستکاری محافل حاکم و فرهنگ ستیز نجات میدهد و حیات پرسعادت را برای همه مردم ما نوید می بخشد عبارت اند از :

یک - آوردن تغییرات اساسی در قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان به نفع انسان و آزادی و صلح و تأمین تعادل حقوق شهروندی .

دو - شناسایی خط دیورند بمتابه مرز مشترک میان پاکستان و افغانستان و ایجاد صلح در منطقه .

سه - تسجیل زبان فارسی در قانون اساسی : بمتابه یگانه زبان تفاهم ملی ، زبان علم ، اقتصاد ، سیاست و فرهنگ و ادبیات و نفی قاطع سیاست چند زبانی درکشور ما .

چهار - ایجاد نظام سیاسی پارلمانی که بر اصل تفکیک قوای سه گانه در تعادل متوازن قدرت متجلی می گردد .

پنج - انتخابی بودن رؤسای ولایات ، حکومتی هاو علاقه داری ها و شوراهای نواحی ارگان های محلی قدرت و اداره دولتی .

شش - عملی نمودن سرشماری دقیق نفوس و توزیع شناسنامه شهروندی بدور از مناسبات انتیکی ، بی غرضانه و صادقانه و شفاف تحت نظارت ملل متحد و سایر نهاد های اجتماعی بیطرف ملی و جهانی .

- اگر این طرحهای راهبردی و برخی از مسائل دیگریکه در راه حل اساسی مسئله ملی در کشور ما خدمت میکنند تحقق حاصل نه نماید .

هیچگاه جامعه بسوی ملت سازی و همجوشی ملی و هویت سازی ملی حرکت نخواهد کرد .

و معامله گران محافل حاکم وابسته به غیر با حمایت نهاد های سرمایه جهانی در چهره رهبران دولت و اپوزیسیون تفنگدارطالبی سالهای طولانی دیگر اقتصاد و سیاست و فرهنگ سرزمین ما را در دستان چپاولگرانه ضد انسانی خود خواهند نگهداشت .

و کشور را بسوی فقر بیکاری بیهوشی و اعتیاد ، بیسوادی جنگ و خشونت پیوسته سوق خواهندکرد . وانشقاق ملی ، دشمنی های عقیدتی ، سمتی و لسانی وچندگانی اجتماعی را جهت تحکیم حاکمیت بر بار صفت شئونیزم تک تباری خویش تقویت خواهند بخشید .

برادران گرامی:

ما مردمان بی سلاح و صلح خواه هستیم .

سلاح ما فرهنگ ما زبان مشترک ما وادب و علم و معرفت ما است .

بکارگیری عاقلانه این سلاح معنوی ، تنویر و روشن ساختن اذهان مردم ما و جهان از حقایق تاریخ باستانی نیاکان ، میتواند آهسته آهسته راه فروریختن دیوار سست و بی بنیاد قدرت چپاولگران محافل

حاکمۀ تک محور و وابسته به بیگانگان را ، به مردم بومی و آزادمنش این سرزمین روشن و هموار کند .

به امید طلوع خورشید در خانۀ هر شهروند این سرزمین .